

● مه‌ری شاه‌حسینی

این هم از تلخی روزگار بازنمایی از خاطره‌های با تمیمی بودن



با آثار فرخ تمیمی از دوره‌ی نوجوانی آشنایی داشتم و سروده‌هایش را می‌خواندم و بعضی از شعرهایش را حفظ بودم. همیشه دیدن شاعران بزرگ برایم جالب و ارزشمند بوده و هست. در سال ۱۳۷۶، با فرخ تمیمی آشنا شدم. برای مصاحبه نزدش رفتم. او نیز در نهایت تواضع و مهربانی پاسخ سؤال‌هایم را داد. پس از آن دیدار، آشنایی ما به دوستی صمیمانه و رفت و آمد خانوادگی تبدیل شد. انگار همین دیروز بود. افسوس چه زود گذشت. اما هر بار که با یاد عزیز از دست‌رفته‌ای از بزرگان شعر و ادب این مرز و بوم گردهم می‌آییم، احساس غریبی در وجودم پدید می‌آید: یکی شور زیستن در زمانه‌ای که هم عصر بزرگان شعر معاصر ایران نظیر شاملو، فروغ، حقوقی، اخوان، آزاد، اشکوری، آتشی، سپانلو، صلاحی و دیگران بوده و هست و دیگر، اندوه جان‌گذاری که با غروب هر یک از این ستارگان آسمان شعر معاصر بر قلب و روح سنگینی می‌کند.

بی‌تردید فرخ تمیمی یکی از مطرح‌ترین شاعران معاصر است، هم به خاطر ویژگی‌های شخصیتی و حرمتی که برای مناسبات انسانی قایل بود و بهایی که به نسل نو می‌داد و هم برای آثار ارزشمند و تأثیرگذاری که از این شاعر نام‌دار به جای مانده است. به هر حال حرف زدن درباره‌ی تمیمی و نقش او در شعر معاصر ایران بسیار دشوار است. فرخ تمیمی شاعری خوب بود، خوب شعر می‌گفت و شعرها و ترجمه‌هایش در زمره‌ی آثار گران‌قدر شعر و ادبیات معاصر بود. از ویژگی‌های ارزنده‌ی تمیمی، فروتنی و هم‌آوایی او با تحولات شعر معاصر و نوآوری است. بسیاری از استعداد‌های جوان و نسل نورا پذیرا بود و در نقد آثارشان فارغ از هرگونه خشکی و تعصب به داور می‌نشست. به دلیل شناختی که از این شاعر گران‌مایه دارم، بهتر است مروری هم بر گانه‌هایش داشته باشم.

تمیمی می گفت این هم از تلخی روزگار است که امثال من باید از ناشران منا کنند تا اثری را به چاپ بپردازند. اگر هم با این شیوه موافق نباشیم، باید مثل بعضی از دوستان شاعر با هزینه شخصی کتاب هایمان را به چاپ برسانیم؛ و یا بسیار می شنوم که در اغلب جلسات شعرخوانی و محافل، بعضی افراد که تازه قلم به دست گرفته اند، در اشاره به آثار متقدمان و شاعران پا به سن گذاشته، می گویند که شعرشان دیگر نخ نما شده است و هیچ حرمتی برای شاعران نسل های قبل از خود قائل نیستند. می گفت ما عادت کرده ایم که در واپسین لحظه های عمر یک شاعر یا هنرمند، زمانی که دیگر مرگ بر آخرین روزهای حیات او سایه افکنده، به تجلیل و بزرگداشتش روی آوریم. آیا بهتر نیست این تقدیرها در زمانی باشد که هنوز آن هنرمند و آن شاعر با زندگی پیوند دارد؟

در پایان مراسم یادبود بیژن جلالی شاعر معاصر، من و آقای اسماعیل رها شاعر گران قدر، شنونده ی درد دل های تمیمی بودیم. می گفت بعضی از این ها که امروز در تجلیل جلالی دست به قلم برده اند، تا وقتی زنده بود نه تنها سال به سال حالش را ندی پرسیدند، بلکه قبولش هم نداشتند.

از ویژگی های اخلاقی تمیمی بود که کمک و مساعدتش را از دوستان شاعر و هم نسلان خودش دریغ نکند، اما به قول او این اواخر حتی همان ها که وام دار و مدیونش بودند، نه تنها یادی از او بلکه از شعرش هم نمی کردند. می گفت این گفته ی شاملوست که گاهی طرفداران یک هنرپیشه و یا یک فوتبالیست، خیابانی را بند می آورند، اما شاعران مادر سرزمینی که مردم آن میراث داریکی از غنی ترین مکاتب شعر ادبیات جهان اند، با چنین اقبالی روبرو نیستند. در پایان سخن اش گفتم که آقای تمیمی در سفری که به پاریس رفتم، در ششمین همایش «پژوهش در فرهنگ باستان ایران» که در مقر یونسکو برگزار شد، درباره ی «شعر زنان پارسی گو» سخنرانی کردم و ملاقاتی نیز با آقای آلن لانس یکی از شاعران بزرگ فرانسه و همسر ایشان داشتم. بعد از صرف غذا و ترک رستوران مدتی در خیابان قدم زدیم، ... هنوز حرف من تمام نشده بود که تمیمی پرسید کسی هم توجه به وجود آلن لانس داشت؟ گفتم خیر، چون ایشان آلن لانس بودند نه آلن دولون. آن گاه خاطره ای از منوچهر آتشی شاعر عزیز برایش نقل کردم که در تأیید حرف ها و گلایه های شاعرانی چون شاملو و خود او بود. یک بار همراه همسر م و آقای آتشی هنگام خروج از رستوران هتل با جمعیت انبوهی مواجه شدیم. آتشی پرسید چه خبره؟ گفتم قطعاً این جمعیت به دیدار شما که شاعر سرشناسی هستید، نیامده اند. لحظاتی بعد معلوم شد که آن گروه انبوه، علاقمندان فوتبالیستی بودند که برای صرف ناهار به هتل آمده بود.

در پایان جا دارد از همسر فرخ تمیمی نیز با توجه به شناختی که از او دارم، یاد کنم. از آیدا همسر شاملو به دلیل نقشی که در شکوفایی و بالندگی شعر او داشت، سخن بسیار به میان می آید. باید بگویم که همسر فرخ تمیمی نیز آیدای دیگری ست و سهم ارزنده ای در پدید آوردن ارثیه ی معنوی شاعر داشته است. اینک فرخ تمیمی با منش والا و مهربانی هایش در میان ما نیست، اما بی تردید آثار او و نقشی که در شعر و ادب معاصر کشور ما داشته، هرگز فراموش نخواهد شد و ارزش این آثار اعم از شعر و ترجمه در فصل ها و نسل های آینده هم محفوظ خواهد ماند.